

آسیب شناسی اجمالی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

سیروس حاجی زاده^۱

ظهور انقلاب در ایران به عنوان کشوری که در زمره‌ی مشهورترین و پر صداترین کشورهای در حال نوسازی تلقی می‌شد، امری نامنتظر بود. فی‌الواقع اگر به حافظه‌ی تاریخی خویش رجوع نماییم به سادگی به خاطر می‌آوریم که بسیاری از کارشناسان سیاسی و اصحاب فضایل علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی را حتی هنگامی که در افق واقعیت هویدا شد، نمی‌دیدند. با این حال، آنچه در بهمن ۵۷ روی داد واقعاً یک انقلاب در معنای کلاسیک آن بود. زیرا شامل طرحی ایدئولوژیک همراه با یک الهام‌گیری سراسری، ارتباطی بی‌گفتگو و مستحکم بین رهبری و توده‌های انقلابی، طرح بنیادین، آفرینش نظام سیاسی تازه و نهادهای مرتبط با آن، مبارزه‌ی طولانی کمابیش خشونت بار و مهم‌تر از همه، خلق علم سیاست جدیدی بود. این سیاست جدید حاوی مفاهیم جمعی پربار، فرضیه‌های جدید جهان‌داری و هنجارهای تحلیلی نوین برحسب معیارهای خود بود که به دور از گفت‌وگوهای حاکم، تمامی جهان را موضوع داوری‌های خود قرار می‌داد. از همین منظر انقلاب اسلامی تاریخ جدیدی را رقم زد که روش‌ها، مفاهیم، هنجارها و مبادی ارزشی جهان مدرن را در سطحی جهانی، به چالش کشید. بی‌تردید

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

باید اعتراف نمود حضرت امام (ره) به عنوان متفکر دوران گذار^۱ از جامعه‌ای سنتی به جامعه‌ای مدرن (نه طبق پیش‌بینی هگلی که پس از ظهور حادثه، متفکران و فلاسفه با اندکی تأخیر ظاهر می‌شدند) با کوله‌باری از اندیشه و الهام از تاریخ تفکر انبیا و آگاهی از تحولات معاصر ملت ایران، در شرایطی که به زعم غربیان ایران در کانون ثبات خاورمیانه قرار داشت، توانست انقلابی با همان انگاره‌ها و الگوهای مختص خویش که برگرفته از جامعه‌ی توحیدی بود، استوار سازد. از آنجا که عنوان مقاله‌ی ما پیرامون آسیب‌شناسی انقلاب در نگاه حضرت امام است، مع‌هذا بحث خویش را روی این مقدمه تنظیم می‌نماییم.

واژه‌ی آسیب‌شناسی (pathology) از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «مبحث مطالعه‌ی علل بیماری و عوارض و علائم غیر عادی»^۲ می‌باشد. در اینجا مقصود از آسیب‌شناسی انقلاب در نگاه حضرت امام در حقیقت بحث از آفت‌هایی است که به نوعی چپستی، چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی را مورد تهاجم قرار می‌دهد. اینها همان مطالباتی بود که منجر به فروپاشی رژیم گذشته گردید و بازگشت به گذشته‌ی نامطلوب در کلیه‌ی مختصات آن، از آسیب‌های نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. از این رو سخن از آسیب‌شناسی انقلاب بدون مطالعه‌ی فرآیند و عوامل این پیروزی، صبغه‌ی علمی نخواهد داشت. در این مقاله فرآیند جنبش انقلابی ایران در اندیشه‌ی امام خمینی با وام گرفتن قالب تئوری آلن تورن^۳ بررسی شده است.

جامعه‌ی ایران در دو قرن گذشته شاهد جنبش‌هایی بوده است که این کشور را از دیگر کشورهای آسیایی ممتاز می‌کند. میشل فوکو^۴ فیلسوف مشهور فرانسوی و نظریه‌پرداز فرامدرنیسم (که در جریان انقلاب اسلامی ایران به تهران و قم مسافرت کرده و از نزدیک شاهد وقوع انقلاب بوده) می‌گوید این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد. زیرا جهان شاهد شورش و قیام همه‌ی ملت علیه قدرتی بود که مشکلات اقتصادی

۱ - تقریرات نگارنده در درس اندیشه‌های سیاسی حضرت امام، استاد دکتر نامدار، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، نیمسال اول سال ۱۳۸۳.

۲ - عباس و منوچهر آریان پور، فرهنگ دو جلدی، دانشگاهی - انگلیسی - فارسی، جلد ۲، ص ۱۵۶۹.

۳ - آلن تورن یکی از محققان در حوزه‌ی جامعه‌شناسی امروز فرانسه است که آثار زیادی در حوزه‌ی مدرنیته و جنبش‌های اجتماعی مربوط به این حوزه دارد.

۴ - پژوهش‌نامه‌ی متین، شماره‌ی ۱، صص ۲۰۹ - ۲۲۴ همچنین درباره‌ی فوکو و انقلاب اسلامی ر. ک: جرعه‌ی جاری، همان، صص ۱۰۲ - ۸۷.

آن به آن اندازه بزرگ و مهم نبود که در جریان آن میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها ریخته و با سینه‌های عریان به مقابله با مسلسل‌ها بپردازند. پس دلیل انقلاب را باید در جایی دیگر جستجو نمود. یا نیکوی کدی ضمن اذعان به انقلاب خیز بودن و فراوانی شورش‌ها و قیام‌ها در ایران در صدد تبیین چرایی این ویژگی برآمده^۱ از میان این جنبش‌ها، انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی دست یافت به دلیل دامنه‌ی وسیع آن و تأثیرات عمیقی که به دنبال داشت از ویژگی ممتازی برخوردار است. بررسی چرایی پیدایش این جنبش و ماهیت آن در فهم آسیب‌های انقلاب ما را یاری می‌رساند.

مدل نظریه: آلن تورن معتقد است جنبش‌ها بر سه اصل اساسی استوار است: (۱) همگانی بودن؛ (۲) هویت؛ (۳) ضدیت یا مخالفت.^۲ همچنان که نیل اسملسر خاطر نشان می‌سازد، جنبش‌های اجتماعی معلول فشار ساختاری موجود در جامعه است که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌گردد.^۳ پس اصل ضدیت در اندیشه‌ی آلن تورن اشاره به عناصری دارد که افراد آن جامعه با آن عناصر مخالفتند. همین عناصر زمینه‌های ساختاری را برای تشکیل جنبش‌های اجتماعی و در نهایت هویت یابی این جنبش‌ها فراهم می‌کند. پس هر جنبشی همواره نماینده‌ی گروه‌های ویژه‌ای است که دارای منافع مشترک بوده و برای برطرف کردن موانع ساختاری تلاش می‌کنند. «هویت» جنبش ساخته‌ی عناصری است که جنبش در مخالفت با آنها شکل گرفته است. جنبش‌های اجتماعی معمولاً برای معرفی هویت خویش به اهداف و آرمان‌هایی چنگ می‌زنند که از زمره‌ی ارزش‌های مطلق و مورد قبول همگان است. همانند استقلال، آزادی، عدالت، برادری و برابری که آلن تورن برای تشریح این فرآیند از مفهوم «همگانی بودن» سود می‌جوید.^۴

جنبش‌های اجتماعی وقتی اصل مخالفت را از دست دادند، دیگر نام جنبش به آنها اطلاق نمی‌گردد. برای مثال وقتی جنبش پیروز گردد و نظام جدیدی را پایه‌گذاری کند، ماهیت جنبش در گزاره‌های مثبت جلوه گر می‌شود. یعنی رهبران جنبش که عمدتاً خود نیز نمادی از ماهیت^۵

۱ - نیکوی کدی، چرایی انقلابی شدن ایران، ترجمه‌ی فردین قریشی، فصلنامه‌ی تبیین، سال اول، بهار ۱۳۷۸، صص ۲۳۷ - ۲۲۱.

۲ - گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه‌ی منصور وثوقی، نشر نی، چاپ هفتم، تهران: ۱۳۷۶، صص ۱۳۰.

۳ - آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی منصور صبوری، نشر نی، تهران: ۱۳۷۳، صص ۶۷۴.

۴ - گی روشه، همان، صص ۱۳۱.

۵ - تحلیل روان شناختی شخصیت رهبر جنبش و خاستگاه اجتماعی وی تا حد زیادی ماهیت جنبش را نشان

جنبش هستند، سعی می‌کنند «نظام جدید» عاری از معایب نظام قبلی بوده و موجد فشار ساختاری نباشد. از این رو دیدگاه‌های رهبران یک جنبش در تجزیه و تحلیل جنبش و آسیب شناسی نظام مبتنی بر آن بسیار اهمیت دارد. البته آسیب‌های انقلاب منحصر به عوامل موجه نیست چون جامعه‌ی نظامی پویا است و ممکن است ارزش‌ها تغییر کرده و ارزش‌های جدیدی خلق یا جایگزین شوند. اما در اینکه عناصر موجه‌ی انقلاب از جمله آسیب‌هاست از درجه‌ی اطمینان بالایی از صحت برخوردار است. زیرا دگرگونی ارزشی از چنان سرعتی برخوردار نیست که در زمان کوتاه ماهیت جامعه دگرگون شود.

نکته‌ی قابل توجه اینکه بهترین معیار و سنجه برای آسیب شناسی نظام جدید، کالبد شکافی جنبش است که منجر به پایه‌گذاری جنبش شده است. بدین ترتیب سؤال از چرایی پیدایش انقلاب اسلامی و چیستی آن و آسیب شناسی‌اش، سه مسأله‌ی به هم پیوسته است.^۱ که در این راستا در مقاله‌ی حاضر به سه سؤال ذیل پاسخ خواهیم گفت:

۱ - از دیدگاه امام خمینی (ره) چرا مردم با رژیم شاهنشاهی مخالفت کرده و انقلاب نمودند.

۲ - ماهیت انقلاب ایران به عبارت روشن‌تر، اصول اساسی نظام اسلامی کدامند؟

۳ - چه عواملی این انقلاب را تهدید می‌کند؟ آسیب‌های نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷ از دیدگاه بنیانگذار این نظام کدامند؟

۱ - عوامل پیدایش انقلاب از دیدگاه امام خمینی؛

برخلاف اندیشمندان تقلیل‌گرا که به یک عامل در پیدایش انقلاب تأکید کرده و بر عواملی چون مذهب، اقتصاد، مدرنیزاسیون استبداد و توطئه انگشت می‌گذارند. رهیافت امام چند علتی است. برخی عوامل از دیدگاه ایشان را بیان می‌کنیم.

الف) استبداد و سلب آزادی: امام خمینی در تحلیل‌هایش از قیام مردم ایران در سال ۵۷ یکی از عوامل عمده‌ی آن را استبداد و اختناق شاهنشاهی و شیوه‌ی حکومتی شاه می‌داند «آنکه اساس این انقلاب است، آنکه اساس این انفجارها است، خود این آقا (محمد رضا شاه پهلوی) است.»^۲ امام خمینی قضیه‌ی اختناق و سلب آزادی را تئوریزه کرده و فرآیند آن را چونان یک

می‌دهد.

۱ - مصطفی ملکوتیان و دیگران، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چاپ سیزدهم، قم: ۱۳۸۰، ص ۱۵۹.

۲ - امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۲، ارشاد اسلامی، تهران: ؟، ص ۵۷.

جامعه شناس بیان می‌دارند: یکی از چیزهایی که موجب پیروزی شماها شد، همین زیادی ظلم و زیادی اختناق بود که این اختناق وقتی زیاد شد، انفجار از آن پیدا می‌شود، دنبال یک اختناق طولانی هی عقده‌ها زیاد می‌شود و منتظرند که یک صدایی در آید. صدای اولی، فریادی در آید، دیگران دنبالش بروند.^۱

امام خمینی فرآیند مذکور را نه یک اتفاق و حادثه‌ی استثنایی بلکه یک قانون تلقی کرده و دیگر حکومت را به عبرت‌گیری دعوت می‌نماید: حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد.^۲

ملت ما از آزادی محروم بود، کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد یک قیام اسلامی بزرگ^۳

(ب) ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی: از دیدگاه امام خمینی هر حکومتی که مشی اسلامی را در همه‌ی زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است.^۴ امام مفهوم حکومت طاغوت را در برابر حکومت عدل قرار داده و می‌فرماید: ما امیدواریم که با پیوستن به هم بتوانیم این طاغوت‌ها را تا آخر از بین ببریم و به جای آن یک حکومت عدل اسلامی که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیزمان به دست خودمان باشد...^۵ امام خمینی در سال ۵۹ نیز گرایش جوانان ایرانی به اسلام و تمایل به شهادت را ادامه‌ی نهضت اسلام خواهی ملت ایران در برابر طاغوت در سال‌های قبل از انقلاب ارزیابی نموده و می‌فرماید: «این تحولی که الان در کشور ما هست همه‌اش روی این مقصد است که از اول فریادشان بلند بود که ما اسلام را می‌خواهیم، طاغوت را نمی‌خواهیم.»^۶

(ج) ترویج فساد: امام معتقد بود یکی از مسائلی که مردم ایران را به ستوه درآورد فساد دامنگیر نهادهای رژیم شاهنشاهی بود. البته به زعم امام خود نهاد سلطنت فساد برانگیز و ریشه‌ی مفاسد بود. این فساد که در ایران پیدا شده است، همه‌ی فسادها زیر سر رژیم

۱ - همان، جلد ۷ ص ۲۷۹.

۲ - همان، جلد ۷، ص ۷۳.

۳ - همان، ج ۵، ص ۱۱۴.

۴ - همان، ج ۷، ص ۳۱.

۵ - همان، ج ۵، ص ۵۸.

۶ - همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

شاهنشاهی بود. در تاریخ از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا شده است تا حالا که ما مشاهده می‌کنیم، هر چه مفسده بوده رژیم شاهنشاهی این مفسد را ایجاد کرده.^۱ این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می‌خواهد جوان‌های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و هم اطراف و هم جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان‌ها را از دانشگاه‌ها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد.^۲

انقلاب ایران در اثر مفسادی است که در هیأت حاکمه وجود دارد و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می‌دهد و خرابی‌هایی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می‌گیرد.^۳ مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصاء نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوان‌های ما را به فساد کشاند... کاری کردند که ملت ما به جان آمد... و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند.^۴

د) وابستگی رژیم به بیگانه: همچنان که نیکی کدی به خوبی نشان می‌دهد ملت به دلیل داشتن هویت ایرانی دیرینه، وابستگی به بیگانه را بر نمی‌تابد، از این رو این هویت دیرینه در کنار حضور سنگین یک امپریالیست، مشوق انقلاب است.^۵ در نظر امام خمینی علاوه بر تأثیر عامل مذکور در قیام ملت ایران، تأثیرات منفی وابستگی از جمله به یغما رفتن ثروت‌های ملی و آگاهی ملت از این امور در پیدایش انقلاب ایران دخیل بودند: در عصر ما ملت یافت که شاه به واسطه‌ی پیوندی که با غرب خصوصاً با امریکا دارد و همین طور با شرق تمام مخازن ما را به باد داده بلکه نیروهای انسانی ما را به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق العاده‌ای که مرتکب می‌شود به واسطه‌ی پیوندی است که شاه با ابرقدرت‌ها دارد از این جهت ملت ما به پا خاست.^۶ [رژیم پهلوی] اقتصاد ما را به کلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد همه چیز ایران به باد رفت و خسته شدند مردم از این جهت قیام کردند و این نهضت را به پا داشتند.^۷

۱ - همان، ج ۳، ص ۶۶.

۲ - همان، ص ۱۴۸.

۳ - همان، ص ۱۶۸.

۴ - همان، ج ۱۸، ص ۲۱۹.

۵ - نیکی کدی، همان، ص ۱۶۴.

۶ - امام خمینی، همان، ج ۴، ص ۱۸۳.

۷ - همان، ج ۷، ص ۲۳۴.

از دیدگاه امام خمینی وابستگی رژیم گذشته صرفاً بعد اقتصادی نداشت بلکه در همه‌ی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی شاه وابسته بود و همین امر موجب جدایی رژیم از مردم و اعمال فشار رژیم بر آنان و در نهایت بروز انقلاب شد: فشار بیش از حد شاه مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه‌ی ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچال‌های زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است تمام اینها موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند.^۱

ه) جدایی از ملت: رژیم شاهنشاهی به دلیل ویژگی‌هایی که بیان شد از پایگاه مردمی برخوردار نبود. طبیعت وابستگی و اتکا به ذخایر زیرزمینی همچنان که تدا اسکاچپول در مقاله‌ی «حکومت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» خاطر نشان می‌سازد^۲ موجب پیدایش دیوار بلند بی‌اعتمادی میان مردم و حکومت وابسته شده بود به طوری که شاه تا آخر به اهمیت مردم پی نبرده و انقلاب ایران را توطئه‌ی خارجی تبیین می‌کرد. بر خلاف شاه که با ارائه‌ی نظریه‌ی «توطئه» ناآگاهی خویش را تئوریزه نمود، از دیدگاه امام بیگانگان هیچ نقشی در پیدایش انقلاب نداشتند. به عقیده‌ی امام اگر پایگاه داشت این مرد (شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد.^۳ فقط آن رده‌های بالای ارتش و قوای انتظامی باقی را دیگر به هیچ نمی‌گرفتند نه ادارات و نه ارتش. آن رده‌های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه هیچ یک را به حساب نمی‌آوردند، اینها چیزی نمی‌دانستند. اینها را و بزرگتر خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی‌دانستند. ملت همه با هم شدند برای اینکه همه ناراضی بودند.^۴

۱- همان، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲- تدا اسکاچپول مجموع مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآورنده: عبدالوهاب فراتی، ص ۱۸۵ - ۲۱۶.

۳- امام خمینی، همان، ج ۷، ص ۵.

۴- همان، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

۲- اصول اساسی نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷

نظام اسلامی بر اساس همان آرمان‌هایی بنیان نهاده شد که رژیم گذشته آنها را نادیده گرفت. اصول و آرمان‌های انقلاب در شعارهای سال ۵۷ و اظهارات امام خمینی(ره) به خوبی منعکس شده است. شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» چکیده‌ی مطالبات مردمی بود که سال‌های متمادی جهت دستیابی به آن مبارزه کرده بودند.

الف) استقلال: امام خمینی در پاسخ به سؤالی درباره‌ی اهداف و برنامه‌ی آینده‌ی شان، می‌فرماید: «استقلال و آزادی را به وطن بازخواهیم گرداند، روابط ناسالمی را که به ضرر ملت است، اصلاح خواهیم کرد... دست دیگران را از ایران کوتاه خواهیم نمود.^۱ باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی‌های معنوی را به حال خودش و پیدا کنیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم.^۲»

ب) آزادی: مردم ایران قیام کرده‌اند، برای یک مطلب واضحی است که همه‌ی بشر قبولش دارد که باید آزاد باشد. نباید هی در حبس کنند. نباید جلوی بگیری که حرف نزن، بیخ گلویش را فشار دهند که نباید یک کلمه حرف بزنی، قلمش را بشکنند که نباید بنویسی... آنکه از حقوق بشر است و از اولین حقوق بشر است. آزادی، استقلال، حکومت عدل این را می‌خواهند مردم.^۳

ج) جمهوریت: قالب حکومت مطلوب از دیدگاه امام جمهوری و محتوای آن اسلامی است. اما شکل حکومت ما جمهوری اسلامی است جمهوری به معنای اینکه متکی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است و دیگر حکومت‌ها این‌طور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند.^۴

ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه‌ی ما توسط خود

۱- همان، ج ۴، ص ۶۶.

۲- همان، ج ۹، ص ۱۱۰.

۳- همان، ج ۴، ص ۴۷.

۴- همان، ص ۳۷.

مردم تعیین خواهد شد.^۱

د) اسلامیت: محتوای نظام مطلوب انقلاب ایران از دیدگاه امام اسلام و اصول اساسی آن است که در قرآن و سنت بیان شده است: امروز که ملت ایران قیام کرده‌اند... حکومت اسلامی می‌خواهند، می‌خواهند که آزاد باشند. می‌خواهند که مستقل باشند. می‌خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد.^۲

آسیب شناسی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی

با توجه به آنچه به اجمالاً گفته شد ملاک تشخیص آسیب‌ها تا حدودی روشن می‌گردد، زیرا با آسیب شناسی رژیم پهلوی می‌توان به شیوهی «فراکنی» روند آسیب‌های جمهوری اسلامی را به سهولت تشخیص داد. از اینرو امام خمینی کارگزاران نظام اسلامی را از آفت‌هایی که دامنگیر رژیم پهلوی شد بر حذر داشته و بر حفظ اصول اساسی انقلاب که در سال ۵۷ با خون هزاران شهید امضا گشته تأکید می‌کنند. اندیشه‌های امام خمینی در این زمینه از چند جهت دارای اهمیت است: اولاً ایشان در جریان جنبش‌های انقلابی ایران حضور داشته و شاهد عینی وقایع سده‌ی اخیر ایران هستند. ثانیاً به علت قرار گرفتن در صدر عظیم‌ترین جنبش ایران به عنوان نماد هویت جنبش می‌باشند. ایشان دهه‌ی اول بعد از انقلاب را تجربه کرده و آسیب‌های آن را مشاهده نموده و با هشیاری تمام در مورد بروز آن تذکر داده‌اند. قبل از پرداختن به آسیب‌هایی که امام خمینی برای نظام اسلامی برشمرده تذکر این نکته ضروری است که آسیب شناسی امام عمدتاً متوجه آسیب‌های درونی است. همچنان که ایشان نظریه‌ی توطئه در تبیین چرایی پیدایش انقلاب را نمی‌پذیرفت. خطر دشمنان خارجی را به شرط اتحاد ملت و حفظ محورهای اساسی انقلاب بی‌تأثیر دانسته و هیچ‌گونه خطری از این لحاظ احساس نمی‌کند: از هیچ یک از این قدرت‌هایی که در عالم هستند و ارباب می‌کنند ملت ما را، ما نمی‌ترسیم... ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی‌ترسد و آسیب نمی‌بیند.^۳ البته امام خمینی اصل وجود دشمن خارجی را می‌پذیرند: «ما با یک ابرقدرتی در طرف غرب و یک ابرقدرتی در طرف شرق مواجه هستیم که هر دو آنها می‌خواهند ما را ببلعند» ولی خطر فیزیکی آنها را کم اهمیت ارزیابی می‌کند.

۱ - همان، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲ - همان، ج ۳، ص ۱۹۸.

۳ - همان، ج ۱۳، ص ۲۹.

اگر چنانچه گفته می‌شود دولت آمریکا می‌خواهد نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد باور نکنید اولاً و ثانیاً اگر بیاید خواهد سزای خودش را ببیند از محاصرات اقتصادی و نظامی و دخالت‌های نظامی ابرقدرت‌ها نمی‌ترسیم.^۱ ترور فیزیکی را امام بی‌تأثیر دانسته و معتقد بودند با ترور اشخاص نمی‌توان انقلاب را ترور کرد.^۲ حتی فراتر از این امام دشمن خارجی را عامل انسجام ملت ارزیابی کرده و می‌گویند: تازه وقتی که یک جنگی شروع می‌شود، ملت ما بیدار می‌شود، بیشتر متحرک می‌شود.^۳ در مقابل، امام آسیب‌های درونی و از همه مهم‌تر «تفرقه‌ی امت» را ارزیابی کرده و معتقد بودند خطر دشمن خارجی نیز غیر مستقیم و از این ناحیه است. یعنی دشمن خارجی ممکن است به آسیب‌های داخلی دامن زده و از این طریق خدشه وارد کند. آنچه مهم است این ناسازگاری‌ها در ارگان‌های اسلامی است... مرتباً دعوت به توافق می‌کنند. لکن خودشان هم توافق ندارند. این امر موجب نگرانی است چون سبب می‌شود که کشور به حال تزلزل باقی بماند و اگر مدتی به حال تزلزل باقی بماند آسیب از خودش پیدا می‌شود و از داخل آسیب می‌بیند و محتاج به این نیست که از خارج بیایند و به ما آسیب برسانند.^۴

آسیب‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی

الف) تفرقه: امام خمینی ایران را به لحاظ ساختاری مستعد تفرقه دانسته و زمینه‌هایی چون وجود قبایل و عشایر مختلف، موقعیت جغرافیایی، تنوع زبانی، تنوع مذهبی و در نهایت تنوع خاستگاه روشنفکری یعنی وجود حوزه و دانشگاه را از عوامل تفرقه به شمار آورده‌اند.^۵ از این رو به اعتقاد امام عواملی چون ملیت، زبان و وحدت مکانی نمی‌توانند به عنوان محورهای اتحاد مورد تأکید قرار گیرند و به جای آن اسلامیت و آن هم در مفهوم عام و در سطحی فراتر از تفسیرهای فرقه‌ای می‌تواند عامل انسجام ایران باشد.

تفسیر امام از اسلام، اقرار به کلمه‌ی لا اله الا الله و داشتن قبله‌ی واحد یعنی ارزش‌های فرافرقه‌ای است. مسلمانان که اهل حق هستند قرآن کتاب آنهاست. کعبه قبله‌ی آنهاست.

۱ - همان، ج ۱۲، ص ۹۲.

۲ - همان، ج ۷، ص ۱.

۳ - همان، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۴ - همان، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

۵ - همان، ص ۳۱ و ج ۱۴، ص ۱۱۳ و ج ۷، ص ۲۸۰ و ج ۹ و ۸، ص ۹ و ج ۴.

کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اند و به حق ایمان آورده‌اند در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطلاها که در باطل خودشان می‌خواهند مجتمع بشوند آنها پیروز بشوند.^۱

امام خمینی ضمن توصیه به سعی صدر در برخورد با برادران دینی، منطق گفتگو و تن دادن به قوانین و مقررات را رمز بقای اتحاد می‌دانست، دو مؤلفه‌ی مذکور حتی می‌توانند اقلیت‌های دینی را هم‌نوا کنند. اگر بخواهید مملکت خودتان را از دست ابرقدرت‌ها و چپاولگری‌های بین‌المللی نجات بدهید باید همه‌ی مقرراتی که تحت عمل هر یک هست، آن مقررات عمل بشود و هیچ نهادی با نهاد دیگر معارضه نکند... من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و تمام کسانی که در این ملت هستند از اقلیت‌های مذهبی همه با هم مجتمع باشند تا اینکه رفاه همه‌ی مسلمان‌ها و همه‌ی کسانی که در کشور اسلامی سکونت دارند، حاصل بشود.^۲ بنابراین ایشان برای بقای اتحاد حکومت اسلامی را به حکومت انسانی ترفیع داده و معتقدند با قانون‌گرایی می‌توان اختلافات را حل کرد و کشور را به ساحل نجات رهنمون ساخت. خواست همه یک جمهوری اسلامی، یک حکومت عدل، یک حکومت انسانی... اگر این دو تا جهت را حفظ کنید... و نگذارید اختلاف پیدا بشود اگر ما حفظ کنیم این وحدت کلمه و وحدت مقصد [اسلام] تا آخر پیروزیم.^۳

در حکومت انسانی و حکومت عدل حتی بدون داشتن دین واحد نیز می‌توان با منطق گفتگو به تفاهم رسید: ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم باید بنشینیم و در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را حل کنیم با تفاهم مسائل را حل کنیم نه اینکه جبهه‌گیری کنیم. یکی یک طرف بنشیند با دار و دسته‌ی خودش و کوشش کند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی... شماها اگر مسلم هستید، با احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای ناخواسته تعهد اسلامی را قبول ندارید با دید سیاسی مسائل را حل کنید.^۴

۱ - همان، ج ۱۳، ص ۴۸.

۲ - همان، ص ۲۷.

۳ - همان، ج ۷، ص ۲۸۰.

۴ - همان، ج ۱۴، ص ۳۸.

امام خاستگاه تفرقه را نه مردم که نخبگان، مسئولان و نهادهای نظام دانسته و خطاب به ایشان می‌فرماید: شما همه برای خدا - ان شاء الله - عمل کنید همه تان با هم باشید پشت و پناه هم باشید. ملت خوب است. ملت یک ملت روشنی است. یک ملت خوبی است شماها هم همه با هم مجتمع بشوید دولت و ملت و ارکان دولت، رئیس‌جمهورش، مجلسش همه‌ی این‌ها با هم مجتمع باشند.^۱

اگر قلم‌هایی که در روزنامه‌ها به ضد هم چیز می‌نویسند کمک کنند برای از بین رفتن جمهوری هم مسئولند... احکام اسلام امانت پیشمان... و نیاید با قلم‌ها و قدم‌ها به این امانت خیانت کنیم... اگر بخواهید کشورتان مستقل باشد و آزاد باشید باید از این طور مناقشات دست بردارید.^۲ من باز تأکید می‌کنم اگر سران با هم خوب باشند. این کشور صدمه نمی‌بیند اگر صدمه این کشور ببیند از اختلاف سران است. همان طور که شارع مقدس فرموده باید دولت، مجلس و قوه‌ی قضائیه احساس کنند که یک تکلیف دارند و آن اینکه اختلاف نداشته باشند.^۳

ب) ارائه‌ی چهره‌ی طاغوتی از حکومت: امام خمینی معتقد بود انقلاب ایران به لحاظ ماهوی از سایر انقلاب‌های دنیا متمایز است و وجه تمایز آن اسلامی بودن آن است.^۴ همان‌گونه که در تعریف طاغوت از دیدگاه امام اشاره شد هر حکومتی که محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است. خواه متولیان آن پهلوی باشد یا دیگران. الان ما همه مکلفیم حالایی که جمهوری اسلامی شد ما همه اسلامی باشیم اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم حکومت اسلام نیست اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان‌هایش اسلامی نباشند خدای نخواستہ دادگاه‌هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام همان طاغوت است.^۵ امام خمینی از تبدیل شدن جمهوری اسلامی به حکومت طاغوتی نگران بوده و آن را یکی از آسیب‌های عمده‌ی انقلاب برشمردند: طاغوت برای خاطر اینکه پسر کی بود و نوه‌ی کی بود که نبود برای اعمالش بود اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی باشد، برای

۱ - همان، ج ۱۳، ص ۱۷۳.

۲ - همان، ج ۱۴، ص ۷.

۳ - همان، ج ۱۸، ص ۵۷.

۴ - همان، ج ۱۴، ص ۱۹۰.

۵ - همان، ج ۸، ص ۴.

خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت. این همان طاغوت است. منتها به یک صورت دیگری در آمده اما طاغوت است. طاغوت هم مراتب دارد. یک طاغوت مثل رضاخان و محمد رضا و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنهاست یک طاغوت هم مثل ماهاست.^۱

ج) ارائه‌ی چهره‌ی واژگونه از اسلام: علی (ع) می‌فرماید: «مردم اسلام را به تن می‌کنند ولی آن چنان که پوستین را وارونه به تن می‌کنند.»^۲ ممکن است محتوای حکومتی به ظاهر اسلامی باشد ولی چهره‌ای که از اسلام ارائه می‌شود چنان واژگون و دور از واقعیت باشد که دل‌های پاک و توده‌ی مردمان به آن رغبت نکنند، زیرا مفروض امام خمینی این است که «اگر اسلام واقعی به مردم ارائه شود همه‌ی دنیا آن را می‌پذیرند.»^۳

وارونه نشان دادن چهره‌ی اسلام یکی از آسیب‌های تهدید کننده‌ی نظام اسلامی است که امام درباره‌ی آن هشدار می‌دادند. زیرا کنار گذاشتن ظاهر اسلامی در ایران ناممکن است ولی وارونه به تن نمودن آن آسان است. وانگهی اگر اسلام وارونه به تن شود نه تنها کارگزاران نظام ضربه می‌بینند که از دیدگاه امام مکتب (اسلام) از همه‌ی امور مهم‌تر است: اگر روحانیون که در این جامعه هستند روی موازین مقررات به طور دقیق عمل نکنند، اگر دولت به طور دقیق عمل نکند... و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می‌شود... الان یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده‌ی همه‌ی ماست من یک طلبه هستم این تکلیف را دارم. آقایان [روحانیون] این تکلیف را دارند. سایر قشرها هم دارند که کوشش کنیم وجهه‌ی اسلام را آن طور که هست نمایش بدهیم نه آن طور که خلفایی مثل معاویه و یزید... جلوه می‌دادند... و اسباب این می‌شد که یک وقت وجهه‌ی اسلام را در دنیا دگرگون کنند.^۴ اگر خدای نخواستہ ما پیروز بشویم به این معنا که آن دسته‌ای از ظالم‌ها که بودند و آن دسته‌ای از چپاول‌گران که بودند بیرون کردیم لکن به جای آنها یک دسته ظلم دیگری با یک محدودیت خاص و چپاول‌گری‌های دیگری با یک محدودیتی به جای او نشست. این موجب این می‌شود که مکتب ما در دنیا منعکس بشود که مکتب درستی نبوده

۱- همان، ج ۱۳، ص ۷۵.

۲- نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر شیخ فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۷، ص ۳۲۴.

۳- ر. ک. همان، ج ۷، ص ۳۳.

۴- همان.

شکست در مکتب واقع بشود. آن شکستی که جبران نمی‌تواند بپذیرد.^۱

از تحلیل فوق یک فرض ناخودآگاه به ذهن تبادر می‌کند و یک ملاک برای ارزیابی القا می‌شود و آن اینکه کارگزاران نظام در ارزیابی اقبالی مردم روی دیگر سکه را نیز ملاحظه نمایند. یعنی ممکن است آن اسلامی که ارائه می‌شود به دلیل رفتار سوء مسؤلان وارونه جلوه کند و پشت کردن مردم به برنامه‌ی حکومت همواره پشت کردن به اسلام نیست. «خودارزیایی» اصل مهمی است که از گفتارهای گهربار امام استنباط می‌شود.

د) سوء استفاده از آزادی: یکی از چهار ستون نظام اسلامی در اندیشه‌ی امام، آزادی است. هر حکومتی که میل به استبداد کند، طاغوت است زیرا خلاف موازین اسلامی عمل کرده است: اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم ملت ما هرطوری رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم.^۲

آزادی سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی به حدی است که «هر فرد از افراد ملت حق دارد مستقیماً در برابر سایرین زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع بدهد. در غیر این صورت اگر بر خلاف وظیفه‌ی اسلامی خود عمل کرده باشد خود به خود از مقام زمامداری معزول است»^۳ با همه‌ی اهمیتی که امام به آزادی قائل است آزادی را ملازم با قانونمداری و به عبارت عام‌تر (محدودیت) می‌داند آزادی در چارچوب مجاری قانونی معنا پیدا می‌کند و به مفهوم «هرج و مرج» و «دلبخواه» نیست از دیدگاه امام هرج و مرج منجر به استبداد می‌گردد یعنی از دل «آنارشیزم»، «خودکامگی» و «استبداد» متولد می‌شود. همچنان که استبداد رضاخانی از درون کشمکش‌های طولانی و هرج و مرج پس از انقلاب مشروطه تولد یافت و مردم نیز استبداد را به هرج و مرج ترجیح می‌دهند.

امام خمینی یکی از آسیب‌های مهم نظام اسلامی را سوء استفاده از آزادی دانسته و تذکر می‌دهند شکر نعمت آزادی حفظ حدود آن است و اگر حدود آن حفظ نشود ممکن است به حالت سابق برگردیم. اگر خدای نخواستہ آزادی را صرف کردیم بر خلاف مسیر ملت و اسلام حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم... حالا که آزاد هستیم بر خلاف

۱- ص ۱۹۵.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

۳- همان، ج ۴، ص ۱۹۰.

نظامات اسلامی و بر خلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج به پا کنیم، تحت هیچ قاعده نباشیم، تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر اینطور باشد آزادی را سلب کردیم بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف مسیر اسلام.^۱

مدل ذیل اقتباسی از اندیشه‌ی امام است:

خواستهای اسلام و ملت <== آزادی <== آزادی بدون قید (قید اسلام و مقررات مدنی یعنی مسیر ملت و خواسته‌ی ایشان) <== استبداد و اختناق (افراط در استبداد و اختناق) <== شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی.

ه) وابستگی اقتصادی: در اندیشه‌ی امام خمینی نیز متغیر اقتصاد به عنوان انگیزه‌ی انقلاب غایب است. از دیدگاه امام تئوری (اقتصاد عامل انقلاب) چون نظریه‌ی «توطئه» مطرود است.^۲ پس آنچه مردم ایران را به تحرک وامی‌داشت و غرور ملی ایرانیان را خدشه دار می‌ساخت، نه ضعف اقتصادی و فقر که «وابستگی» (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) بود. امام خمینی ضمن رد تبیین‌های اقتصادی به ویژه مارکسیستی از انقلاب، می‌فرماید: آیا جوان‌های ما برای اینکه یک زندگی مرفه‌ی در دنیا داشته باشند خون می‌دادند؟ این می‌شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگی‌اش خوب باشد یا خیر این یک نهضتی الهی بود... نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی به عنوان اسلام، احکام اسلام در خیابان‌ها ریختند و همه گفتند: ما این رژیم را نمی‌خواهیم و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می‌خواهیم.^۳

امام خمینی تقویت بنیه‌های اقتصادی را برای استقلال کشور ضروری دانسته و معتقد بودند بدون استقلال مادی و خودکفایی نسبی به ویژه در امر کشاورزی^۴ و تولیدات مربوط به کالاهای ضروری و حیاتی استقلال در سایر زمینه‌ها نیز ممکن نیست. اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد همه جور وابستگی دنبالش می‌آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کنیم. وابستگی نظامی هم پیدا می‌کنیم. برای اینکه

۱ - همان، ج ۷، ص ۴۲.

۲ - ر. ک به مجموعه‌ی مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، معاونت امور اساتید و دروس معارف، قم: ۱۳۷۴، ص ۸۶ - ۱۳۹.

۳ - امام خمینی، همان، ج ۷، ص ۶۰.

۴ - همان، ج ۱۱، ص ۱۰۰.

وقتی ما چیزی نداشتیم دستمان به طرف امریکا دراز می‌شود و امریکا همه چیز را به ما تحمیل می‌کند ما وقتی می‌توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم^۱.
امام وابستگی اقتصادی را یکی از آسیب‌های انقلاب دانسته و آن را عامل رجعت به وضعیت پیش از انقلاب می‌داند که آن وضعیت زمینه‌های ساختاری بروز جنبش‌های انقلابی را فراهم کرد.^۲

و) اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی: همچنان که ابن‌خلدون خاطر نشان می‌سازد تجمل‌گرایی از عوامل عمده‌ی شکست حکومت‌ها و به سستی‌گرایی عصبیت است. امام خمینی نیز تجمل‌گرایی را یکی از آسیب‌های عمده به شمار آورده و در تحلیل‌گرایی مردم به روحانیت و سپردن رهبری انقلاب به ایشان می‌گوید: آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه‌ی آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند. عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شان روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.^۳

در پندار امام خمینی عصبیت حاکم بین روحانیت و مردم نه بر خویشاوندی نسبی بلکه بر دین و معرفت استوار است که به زعم ابن‌خلدون عام‌تر از عصبیت خویشاوندی است و این معنویت که قوام این گونه عصبیت می‌باشد در اندیشه‌ی امام خمینی رابطه‌ی معکوس با تجمل‌گرایی دارد. هرچه بروید سراغ اینکه یک قدم بردارید برای که خانه‌هایتان بهتر باشد از معنویت‌تان همین مقدار از ارزش‌تان به همین مقدار کاسته می‌شود.^۴ امام خمینی از کلیه‌ی مسئولان به ویژه روحانیون متواضعانه می‌خواهند برای حفظ نظام جمهوری اسلامی از تجمل‌گرایی و زرق و برق دنیا بپرهیزند:

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه‌ی فرزندان و عزیزان روحانی خود

۱ - همان، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

۲ - همان، ص ۲۰۴.

۳ - همان، ج ۱۹، ص ۱۸۸.

۴ - همان، ص ۱۵۷.

می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره‌ی کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند. که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.^۱

سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که منظور امام از تجمل‌گرایی چیست؟ ملاک تشخیص آن چگونه است؟ و داوران تشخیص چه کسانی هستند؟ الگوی مورد نظر امام برای رهبران حکومت کدامین حکومت است؟ امام به همه‌ی این سؤالات پاسخ داده‌اند در اندیشه‌ی امام اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی این است که زندگی متولیان امور جامعه متفاوت از توده‌ی مردم بوده و دارای امتیازات ویژه‌ای باشند و با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند.^۲ ملاک تشخیص نیز عدم تفاوت زندگی بعد از حاکمیت قشر حاکم با قبل از حکومت است و داوران تشخیص این امر نیز توده‌ی مردم هستند از این رو توصیه می‌فرمایند: یک وقت کاری نشود که ملت‌ها و دیگران کار را تعقیب کنند به اینکه شما دستتان نمی‌رسید حالا که دستتان رسید شما هم همان هستید.^۳

الگوی مورد نظر امام برای حکومت اسلامی جهت مصون ماندن از گرایش به اشرافی‌گری، حکومت علوی است. همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر به خلافت، آن هم خلافتی که دامنه‌اش این‌قدر زیاد بود، همان روز بعد از اینکه بیعت تمام شد ایشان بیل و کلنگش را برداشت رفت سراغ آن کاری که می‌کرد.^۴ از آسیب‌های دیگر نظام اسلامی در دیدگاه امام می‌توان به عدم وظیفه‌شناسی مردم^۵ سستی و از دست دادن حالت انقلابی^۶ از خود بیگانگی^۷ کم کاری در ادارات و کارخانه‌ها^۸ اعوجاج در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون^۱ ظاهرگرایی

۱- حسن آئینه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران: ۱۳۷۹، ج ۱.

۲- امام خمینی، همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۱۸۲.

۴- همان، ج ۲، ص ۲۳۳.

۵- امام خمینی، همان، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

۶- همان، ص ۱۶۷ ج ۸، ص ۸۳.

۷- همان، ج ۱۱، ص ۱۸۲.

۸- همان، ص ۱۷۹ ج ۱۴، ص ۳۷.

و چاپلوسی^۲ سرگرم شدن به مسائل غیر اساسی^۳ نفوذ افراد فاسد در بدنه‌ی حکومت^۴ گفتارهای نسنجیده و آسیب‌زای برخی مسئولان^۵ تضعیف نهاد ها^۶ بزرگ نمایی مشکلات کوچک و فرافکنی مشکلات اجرایی به اصل اسلام^۷ ایجاد یأس و نومیدی به جای امید به آینده^۸ ترجیح مسائل شخصی بر مصالح جامعه^۹ و... اشاره کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - همان، ج ۱۲، ص ۸۴.
- ۲ - همان، ج ۸، ص ۲۶۴.
- ۳ - همان، ج ۸، ص ۱۱۲.
- ۴ - همان، ج ۱۱، ص ۶۴.
- ۵ - همان، ج ۱۴، ص ۲۴.
- ۶ - همان، ص ۴۰.
- ۷ - همان، ص ۴۴.
- ۸ - همان، ص ۴.
- ۹ - همان، ج ۹، ص ۶۲.